

## نقشه زن جوان برای بردن آبروی تاجر تهرانی



دو نفره شلده‌اند اما برخی از آنها نیز مانند هومن به خاطر ترس از بی‌آبرویی از شکایت صرف نظر کرده بودند.

**نجات از دست اخاذان تبهکار با اعتماد به پلیس**  
بررسی چنین پرونده‌هایی نشان می‌دهد که قربانیان از ترس اینکه آبرویشان پیش خانواده و بستگان به خطر بیفتد، تن به خواسته اخاذان می‌دهند و فکر می‌کنند اگر شکایتی مطرح کنند، علاوه بر آبروریزی، خودشان متهم به روابطی می‌شوند که آنها را مقصر جلوه می‌دهد. حسال آنکه تبهکاران نیز با همین دستنوازی و تهدید به بی‌آبرویی همچنان از قربانیانشان سوءاستفاده و اخاذی می‌کنند. این افراد وقتی قربانیانشان زن باشند که گاه پا را فراتر نهاده و علاوه بر اخاذی مالی، آنها را به داشتن ارتباط نامشروع دیگر نیز تهدید می‌کنند.

بررسی پرونده‌های اینچنینی نشان می‌دهد ترس و تهدید و حفظ آبرو اهرم‌های بازدارنده‌ای هستند که سبب می‌شود قربانیان از تماس با پلیس و طرح شکایت خودداری کنند.

رحیم دشتیان، بازپرس سابق دادسرای امور جنایی تهران در این رابطه می‌گوید: ماده ۳۴ قانون اساسی کشور دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.

چنانچه پلیس یا هر ضابط قضایی شکایت را نپذیرد، این نپذیرفتن شکایت جرم محسوب می‌شود. اما برای اثبات ادعا، شاکی پس از طرح دعوی خود، در رابطه با اینکه از او سرقت و یا اخاذی شده است، باید مدارک و ادله‌های مربوطه را ارائه کند. قاضی پس از بررسی مدارک و شواهد، موضوع را بررسی خواهد کرد.

اما موضوع مهم‌تری که این افراد از رفتن به پلیس و دادسرا برای طرح شکایت، خودداری می‌کنند، ترس از آبرو است. آنها بیم آن را

دارند که با طرح شکایت، همسر، والدین یا فرزندان و سایر اعضای خانواده‌شان از این ماجرا باخبر شوند و آبرویشان یا جایگاه اجتماعی آنها به معرض خطر بیفتد.

این بازپرس دادسرا در ادامه می‌افزاید: طبق ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند. بنابراین هیچ‌کس حق ندارد در مراحل تحقیقات و مقدمات، به خصوص در جرایمی که منافی عفت است، اطلاعات پرونده را بر ملا کند. و به این صورت نیست که مقام قضایی یا پلیس نیز در این خصوص با خانواده آنها تماس برقرار کنند.

متأسفانه خیلی از مالباختگان این سرت‌ت‌ها، از طرح شکایت و اهماه

یادش نمی‌آمد چه اتفاقی افتاده که در آن وضعیت نامناسب قرار گرفته بود. در همین حین صدای تلفنشان را شنید. با سختی گوشی را جواب داد. با شنیدن صدای مهرنوش از آن سوی خط می‌خواست بپرسد چه اتفاقی افتاده که حرف‌های زن جوان او را بیشتر شوکه کرد. «بالاخره بیدار شلده‌ی، دیگه داشتیم نگران می‌شدم. فکر کردم در ریختن داروی بی‌هوشی توی شریبت زیاد روی کردم و مردی! حالا که زنده‌ای، فعلاً ۱۰۰ میلیون به این شماره کارت می‌برات می‌فرستم، واریز کن البته که نمی‌خواهی همسر و دختری و وقتی از سفر برمی‌گردی، با دیدن فیلم سیاهی که نقش اولش خودت هستی، شوکه بشی.»

تماس قطع شد و هومن همچنان گیج و مات بود. هنوز هم نمی‌دانست چه اتفاقی برایش رخ داده اما وقتی متوجه سرقت پول‌ها، طلاهای همسرش و اموال با ارزش خانه‌اش شد، تازه فهمید مهرنوش یک مار خوش خط و خال بوده که هر شربه را به او ریخته است و حالا هم قصد اخاذی دارد. تصور اینکه همسرش وقتی برگردد با فهمیدن این ماجرا چه واکنشی خواهد داشت، دیوانه‌اش می‌کرد.

**اخاذی‌های سریالی**

یک هفته‌ای گذشت و با اینکه ۱۰۰ میلیون تومان را برای مهرنوش واریز کرده بود اما اخاذی‌های او تمامی نداشت. مستأصل و نگران به خودش لعنت می‌فرستاد که چرا به این راحتی اعتماد کرده و زنی را که نمی‌شناخت، به خانه‌اش راه داده بود.

او که تاجری ثروتمند و بنیادیده بود، از این همه سادگی و بی‌تدبیری خودش متعجب بود. بالاخره تصمیم عاقلانه‌ای گرفت و دل به دریا زد و پیش پلیس رفت تا واقعتاً رایگویی.

چند روز بعد مهرنوش و مرد جوانی که با او در این سرقت و اخاذی همدمت بوده، بازداشت شدند. در بازرسی از مخفیگاه آنها، مدارکی بدست آمد که نشان می‌داد مردان دیگری نیز قربانی این باند تبهکار

گروه حوادث - حوالی غروب بود و هوا کم‌کم رو به تاریکی می‌رفت. مرد جوان لباس شبک و مرتبی پوشیده بود آماده پذیرایی از مهمانش بود.

نگاهی به اطراف انداخت، با اینکه همسر و دخترش از چند روز قبل به مسافرت رفته بودند اما خدمتکارشان حسابی خانه را تمیز و مرتب کرده بود. وسایل پذیرایی هم مهیا بود. نگاهی به ساعتش انداخت، قرار بود زن جوانی که چند روز قبل اتفاقی با او آشنا شده بود، به خانه‌اش بیاید.

زن جوان خودش را طراح دکوراسیون معرفی کرده بود و هومن که از مدت‌ها قبل به فکر بازسازی و طراحی داخلی خانه‌اش بود، حالا که همسر و دخترش به مسافرت خارج از کشور رفته بودند، فرصت را غنیمت شمرده و از زن جوان خواسته بود تا به خانه‌اش بیاید و برای طراحی خانه کارش را شروع کند. هومن می‌خواست وقتی همسرش به خانه برمی‌گردد، با دیدن تازگی خانه‌شان غافلگیر شود.

ساعت از ۷ غروب گذشته بود که مهرنوش قدم به خانه هومن گذاشت. میزبان ساعتی قبل خدمتکار را مرخص کرده بود و خودش لیوان شربت‌ها را برای پذیرایی آورد. دقایقی که گذشت، زن جوان سیگاری روشن کرد و هومن برای آوردن زیرسیگاری به آشپزخانه رفت. وقتی برگشت، گرم صحبت و نوشیدن شربت شدند اما ناگهان پلک‌هایش سنگین شد و خانه دور سرش چرخید.

**دام شوم**

نمی‌دانست چند ساعت و یا چند روز گذشته، به سختی چشم‌هایش را باز کرد اما هنوز هم گیج و متنگ بود. می‌خواست از جایش بلند شود اما توانش را نداشت. نور آفتاب شدت چشمش را از آن می‌داد. تمام قدرتش را به کار گرفت تا از جا بلند شود اما ناگهان با دیدن لباس‌هایش که گوشه‌ای افتاده بود، وحشت‌زده شد.

گروه حوادث - مردی که پدر همسر سابقش را به قتل رسانده است، داستان زندگی‌اش را بازگو کرد.

مرد جوانی که به اتهام قتل پدرزن سابقش دستگیر و زندانی شده است، داستان زندگی‌اش را تعریف کرد. متهم پرونده به خاطر اختلافاتی که با همسرش داشت، تصمیم به انتقام می‌گیرد. او با سلاح مقابل پدرزن سابقش رفت و او را کشت. گفت و گو با این متهم را که خردasad امسال در محله خرم‌دشت کرج مرتکب جنایت شده، بخوانید:

**چقدر درس خواندی؟**

تا اول دبیرستان، درس را دوست نداشتم و چرخ زندگی مان لنگ بود به همین دلیل ترک تحصیل کردم و سر کار رفتم.

**شغلش چه بود؟**

صافکار و نقاش خودرو بودم.

**درآمدت خوب بود؟**

بله، من دو سال است استادکار شده‌ام و پول خوبی در می‌آورم.

**اعتیاد داری؟**

نه، هیچ مخدری مصرف نمی‌کنم.

**سابقه کیفری داری؟**

نه، فقط برای مهریه یک مدت به زندان افتادم.

**چه زمانی ازدواج کردی؟**

سال ۸۸ عقد کردم و زندگی‌ام هشت سال دوام داشت. بعد از همسر جدا شدم.

**فرزند داری؟**

فرزند داری؟

## مرد کرجی به خاطر مهریه پدرزنش را به قتل رساند



**بعد چه شد؟**

هر چه برای ارتباط با او و خانواده‌اش تلاش کردم، موفق نشدم. سلاح را برداشتم و به خانه پدرش رفتم. مادر زنم در راباز کرد و از او سراغ همیشی را گرفتم که گفت خانه خودش است. سلاح را که در آوردم، ترسید و در خانه را بست. من هم چند تیر به در خانه شلیک کردم. سوار ماشین شدم. دو تیر مانده بود که به سمت پنجره شلیک کردم.

**کجارتی بعد از تیراندازی؟**

به باغ رفتم و سلاح را مخفی کردم.

**کی فهمیدی پدر زن سابقت کشته شده است؟**

دو روز بعد از حادثه به محل رفتم و دیدم بنر تسلیت زدند و پدرزن سابقم کشته شده است. از ترس، سریع به ماسوله گیلان فرار کردم.

**چرا بعد تهدیدشان کردی؟**

کینه‌ای که از زنم داشتم، باعث شد به خانه‌شان زنگ بزنم و تهدید کنم بقیه اعضای خانواده را هم می‌کشم.

**گزارش پلیس می‌گویی مستقیم به مقتول شلیک کردی.**

سکوت می‌کنم و جوابی نمی‌دهم.

**در حال فرار چه می‌کردی؟**

برای این که شناسایی نشوم، موپایلم را خاموش کرده بودم. گاهی روشن می‌کردم و فقط جواب پیامک می‌دادم که حالم خوب است و محکم مخفی شدنم را الو نمی‌دادم.

دوقلو دختر دارم. تمام مشکلات ما بعد از به دنیا آمدن دخترانم شروع شد. همسر م اخلاقتش عوض شد و همیشه به کارهایم گیر می‌داد. بیشتر دعوی ما سر اینستاگرام بود. او می‌گفت چرا اداریت شلوهی داری و این همه پیغام برای تو می‌آید.

**همسرت فقط مقصر بود؟**

نه، منم شیطنت می‌کردم. نسبت به همسر سرد شده بودم. سعی می‌کردم مسافرت نروم و در مهمانی‌ها از او فاصله می‌گرفتم. یک بار دخترانم را زد که به او گفتم این کار را تکرار نکن. چند روز بعد دوباره دختران را تنبیه کرد. من هم او را زدم که همان‌جا زندگی پایان یافت.

**تلاشی برای آشتی نکردی؟**

چرا. حتی بزرگان فامیل رفتند تا با درمیانی کنند اما او طلاق گرفت و یک‌سال نگذاشت دخترانم را ببینم.

**بعد مهریه خواست و تو زندان رفتی؟**

به خاطر مهریه. دو سکه پیش پرداخت دادم و قرار شد هر ۹ ماه یک سکه بدهم و آزاد شدم. بعد فهمیدم شکایت کرده تا سهم الارث مرا به عنوان مهریه اش بگیرد.

**چه کردی؟**

جوابم را نمی‌داد. به همین علت تصمیم گرفتم از آنها زهر چشم بگیرم و بترسانم‌شان.

برای همین آبان ماه رفتم و یک کلت کمری از دوست برادرم خریدم.

**سلاح را تا روز جنایت کجا مخفی کردی؟**

در کانال کولر خانه جاساز کردم.

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: www.eghtesad-kish.ir

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

### مفقودی

اصل کارت اشتغال به کار به نام نیاز محمد نیازی به شماره گذرنامه P03845917 و شماره پروانه کار ۲۲۴۸۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### صنایع چوب

**شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش**  
ساخت انواع منسوجات چوبی، کابینت، ترمو وود.....شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸

### صنایع چوب حلاج کیش

کلید سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل  
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

### تأسیسات منزل

**تعمیرات و تأسیسات منزل - لوازم آشپزخانه**  
آب - برق  
۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری

### خدمات

**خدمات برق**  
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی  
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

درب های اتوماتیک دارکوب  
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

### قطعات یدکی

**تهیه قطعات اصلی یدکی خودروهای سبک و سنگین**  
تحویل حداکثر ۴۸ ساعت  
۰۹۳۷۵۶۳۲۷۰۲  
۰۹۳۷۶۶۶۰۲۳۷

### تعمیرات کولر

**تعمیرات کولر - اسپیلت**  
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

جاسم کریمی فوری - مطمئن

### استخدام

**دعوت به همکاری**  
از کارمند اداری خانم آشنا به فعالیت در دفاتر شرکت‌های بیمه دعوت به همکاری می‌شود.  
تماس ۴۴۴۲۰۲۸۴

به تعدادی کارگر ساده جهت کار پاره وقت بعنوان پیک موتوری نیازمندیم.  
۴۴۴۲۴۹۹۹

**استخدام نیروی خدماتی**  
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می‌نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.

**نیازمندیهای اقتصاد کیش**  
۴۴۴۲۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۲۶۹۹۹

## کلید سفارشات

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

# حلاج کیش صنایع چوب